

اثربخشی آموزش برنامه تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری
 محسن شکوهی یکتا^۱، سوگند قاسم‌زاده^۲

The effectiveness of teaching thinking child program on problem solving and parental self-efficacy

Mohsen Shokoohi-Yekta¹, Sogand Ghasemzadeh²

چکیده

زمینه: آموزش توانش حل مسأله و خودکارآمد پنداری به والدین، قابلیت برخورد منطقی و مؤثر با رفتارهای مشکل آفرین کودک را در موقعیت‌های مختلف فرزندپروری فراهم می‌کند. اما مسئله اصلی اینست، آیا آموزش برنامه تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری تأثیر دارد؟ **هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش برنامه تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری انجام شد. **روش:** پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بدون گروه گواه بود. نمونه این پژوهش را والدین کودکان ۴ تا ۷ سال مدارس غیرانتفاعی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ که به شیوه در دسترس انتخاب شدند و برای شرکت در کارگاه کودک اندیشمند اعلام آمادگی نمودند، تشکیل داد. ابزارهای پژوهش پرسشنامه حل مسئله هپنر و پترسن (۱۹۸۲) و پرسشنامه خودکارآمد پنداری والدگری دومکا، استورزینگر، جکسون و روزا (۱۹۹۶) بود. برنامه تربیت کودک اندیشمند در ۹ جلسه به صورت یک جلسه دو ساعته در هفته برگزار شد. **یافته‌ها:** یافته‌های مطالعه حاضر، نشان داد که پس از اجرای برنامه تربیت کودک اندیشمند میانگین نمرات حل مسئله (در مؤلفه‌های حل مسئله؛ اعتماد به حل مسئله، سبک گرایش - اجتناب و مؤلفه‌های شخصی) در مادران، حاکی از افزایش نمرات آنها در پس‌آزمون است ($P=0/0001$). همچنین میانگین نمرات خودکارآمد پنداری والدگری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مادران حاکی از افزایش نمرات در پس‌آزمون است ($P=0/01$). **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد کارگاه آموزشی تربیت کودک اندیشمند توانسته است حل مسئله و خودکارآمد پنداری مادران را در سطح معناداری پس از اجرای برنامه تغییر دهد. با استناد به افزایش نمرات می‌توان گفت که آموزش مادران بر انتخاب رفتار و راه‌حل مناسب تأثیر مثبت داشته است. **واژه کلیدیها:** کودک متفکر، روش حل مسئله، خودکارآمد پنداری والدین

Background: Teaching problem-solving skills and parental self-efficacy enable the parents to deal effectively and logically with problematic behaviors of a child in different situations. However this is, can your child's law-abiding and thoughtful educational program make it possible for you? **Aims:** The purpose of this study was to investigate the effectiveness of teaching Thinking Child Program on problem solving and parenting self-efficacy. **Method:** The research was quasi-experimental with pretest and posttest design without control group. The sample of this study was parents of children aged 4 to 7 years old of non profit schools in Tehran in 97-98 academic year, who were selected by available sampling method for participating in the "Thinking Child Program" workshops. The research tools were Hepner-Petersen Problem-Solving Questionnaire(1982) and Parental Self-Efficacy Questionnaire(1996). The intervention program was organized as a workshop in 9 sessions, one session of two hours per week. **Results:** The findings of the present study showed that after the implementation of the "Thinking Child Program", the mean scores of problem-solving (in problem-solving components, problem-solving confidence, approach-avoidance style, and personal control) in mothers indicated an increase in their post-test scores ($P=0/0001$). In addition, the mean scores of parenting self-efficacy in pre-test and post-test of mothers indicate a significant increase in post-test scores ($P= 0/01$). **Conclusions:** The results of this study indicate that teaching "Thinking Child Program" could change problem solving and self-efficacy of mothers at a significant level after the program intervention. Based on the increase in scores, it can be concluded that mothers' training had a positive effect on choosing appropriate behaviors and solutions. **Key Words:** Child thinking, problem solving method, parental self-efficacy

Corresponding Author: S.ghasemzadeh@ut.ac.ir

^۱ استاد، گروه کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۱ Professor, Department of Psychology, Education of Exceptional Children, University of Tehran, Iran

^۲ استادیار، گروه کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ Assistant Professor, Department of Psychology, Education of Exceptional Children, University of Tehran, Iran (Corresponding Author)

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۲۸

دریافت: ۹۸/۱۱/۲۹

مقدمه

دوران کودکی از مهمترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. در این میان سال‌های پیش از دبستان نقش حیاتی در تحول و سازگاری کودکان در آینده دارد (جنیس، ۲۰۱۳). در میان اعضای خانواده، مادر نخستین شخصی است که نه تنها در دوران جنینی، بلکه بعد از تولد نیز با کودک رابطه مستقیم دارد. در تعامل مادر - کودک اصل دو سویه کاملاً مشهود است. رفتار و خصوصیات کودک در چگونگی مراقبتی که از او می‌شود تأثیر می‌گذارد و سبک‌های تربیتی نیز در رفتار کودک و تحول شخصیت او مؤثر است (ماسن، جرومی، کاریول و کانجر، ۲۰۱۷). والدین نخستین معلمان آموزش توانش‌های اساسی به کودکان به‌شمار می‌روند. همزمان که والدین کودکان خود را یاری می‌دهند تا از مرحله وابستگی به کسب استقلال گام بردارند، فرصت‌های زیادی برای ایجاد توانش حل مسئله در کودکان ایجاد می‌شود (تامسون و هیکسون، ۲۰۱۵، پاتریکاکو، ویزبرگ، ردینگ و والبرگ، ۲۰۱۶).

توانش حل مسئله^۱ یکی از کنش‌های عالی ذهن است (گرکنسمایر و همکاران، ۲۰۱۳) که در آن فرد باید با برقراری روابط بین تجربه‌های گذشته و مسئله، رابطه بین آنها را کشف و با توجه به آن، راه‌حل مناسب را اتخاذ می‌کند (مایر، ۱۹۸۳). مایر (۱۹۸۳) حل مسئله را فرآیندی چند وجهی تعریف کرده است که در آن فرد باید رابطه تجارب گذشته و مسئله موجود را دریابد و با توجه به آن راه‌حل مناسبی را اتخاذ کند. لاین و مک‌گین (۲۰۰۶) نیز بر این نکته تأکید و حل مسئله را کاربست دانش و توانش‌ها برای رسیدن به هدف‌های معین تعریف کرده‌اند. جی انتی و فرند (۱۹۹۲) به نقل از شکوهی یکتا، (۱۳۹۴) الگویی متشکل از ۵ مرحله، مبتنی بر اشتراکات الگوهای مختلف پیشنهاد کرده‌اند. این مراحل عبارتند از: ۱) مشخص نمودن مسئله؛^۲ این مرحله خود شامل پنج گام متوالی است؛ تمرکز بر مسئله، واضح ساختن مسئله، تعریف مسئله، گزینش یک هدف، ارزیابی از مسئله. ۲) ایجاد راه‌حل‌های جانشین^۳؛ عبارت است از خلق راه‌حل‌های متعدد ممکن برای مسئله. ۳) تصمیم‌گیری؛^۴ انتخاب یک راه‌حل از میان راه‌حل‌های خلق شده در مرحله قبل. این مرحله خود شامل سه گام غربال کردن، ارزشیابی و انتخاب است.

۴) اجرای راه‌حل؛^۵ راه‌حل‌های انتخاب شده در این مرحله اجرا می‌شود؛ و ۵) ارزشیابی از نتیجه؛^۶ ارزشیابی در چهار زمینه انجام می‌شود: ارزشیابی از دستیابی به هدف، کارآمدی طرح، نیاز به طراحی اجرای بعدی و رضایت افراد درگیر در مسئله. هر فرد در موقعیت‌های متعدد با مسائلی مواجه می‌شود که راه‌حل همه آنها را نمی‌داند اما راهبردهای حل مسئله می‌تواند به او کمک کند تا در مشکلات پیش‌بینی نشده به صورت کارآمدتر عمل کند.

یکی از متغیرهایی که با نوع رابطه ارتباط دارد، خودکارآمد پنداری است؛ خودکارآمد پنداری والدینی^۷ به این اشاره دارد که والدین چقدر نسبت به اداره کردن مشکلات کودکان‌شان اعتماد به خود دارند. سطوح پایین خودکارآمد پنداری والدینی اغلب منجر به پافشاری ضعیف، افسردگی و کاهش رضایت در نقش والدگری می‌شود (جانستون و ماش، ۱۹۸۹). خودکارآمد پنداری والدگری به ارزیابی مراقب نسبت به توانایی‌های خود، در نقش مراقب گفته می‌شود و اشاره به باورها یا قضاوت‌های یک والد از توانمندی‌هایش جهت نظم‌دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک را دارد. همچنین علاوه بر تأثیری که بر نحوه تعامل مادر - کودک دارد، شیوه انضباطی مادر، باور مادر در مورد روش‌های والدگری و حتی حساسیت و پاسخ‌گویی او را نیز پیش‌بینی می‌کند. بنابراین مادرانی که در نقش والدگری خود احساس اثرمندی می‌کنند، روابطی گرم با کودکان خود دارند و برعکس مادرانی که احساس عدم تأثیر می‌کنند، در رابطه خود با کودکان‌شان دچار مشکل هستند (مانتیگنی و لاچارتی، ۲۰۱۵). از سوی دیگر خودکارآمد پنداری ادراک شده والدین برای ایفای نقش والدگری و یا خودکارآمد پنداری والدگری متغیر دیگری است که می‌تواند کیفیت تعامل والد کودک را تحت تأثیر قرار دهد. خودکارآمد پنداری والدگری، درجه‌ای که والدین انتظار دارند که به طور شایسته و کارآمد نقش‌هایشان به عنوان والد را انجام دهند، تعریف شده است، و ریشه در نظریه خودکارآمد پنداری عمومی دارد (اوار، شاو، دیشیون و ویلسون، ۲۰۰۸)؛ به نقل از شکوهی یکتا و شهایی، (۱۳۹۷).

آموزش این توانش‌ها، قابلیت برخورد منطقی و مؤثر با رفتارهای مشکل‌آفرین کودک و استفاده از روش‌های مؤثر برای مهار کردن

5. Implementation

6. Evaluation of the outcomes

7. Parental Self - Efficacy

1. Problem – solving skill

2. Problem identification

3. Generate alternate solutions

4. Decision making

دارد؟ آیا برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر خودکارآمد پنداری والدگری مادران تأثیر دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بدون گروه گواه بود. جامعه آماری آن شامل کلیه والدین کودکان ۴ تا ۷ ساله شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود. گروه نمونه به روش در دسترس شامل والدین کودکان ۴ تا ۷ سال مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بودند که بعد از فراخوان اعلام شده توسط مدرسه برای شرکت در کارگاه کودک اندیشمند اعلام آمادگی نمودند. به این صورت که مسئولان مدرسه توضیحات اولیه در خصوص برنامه و کارایی آن را اعلام کردند و والدین برای ورود به پژوهش اعلام آمادگی کردند. از جمله ملاک‌های ورود پژوهش اعلام آمادگی، دارا بودن فرزند دانش‌آموز بین ۴ تا ۷ سال، توانایی حضور در تمام جلسات، عدم دریافت برنامه مداخله ای همزمان؛ و از جمله ملاک‌های خروج غیبت بیش از یک جلسه از جلسات آموزشی بوده است. از آنجایی که کلیه این افراد به‌طور داوطلبانه در این کارگاه‌ها حضور یافته بودند، در جلسه اول ابتدا در مورد اینکه در نظر است از داده‌های حاصل از کارگاه استفاده پژوهشی به عمل آید به ایشان توضیحاتی داده شد و از آنها خواسته شد ابزارهای پژوهشی را پیش از آغاز جلسات آموزشی و همچنین در پایان جلسات تکمیل نمایند. این پیشنهاد، همراهی و موفقیت کلیه شرکت‌کنندگان را به همراه داشت. این داده‌ها در قالب ابزارهای قلم کاغذی و بدون نام از آنها دریافت شد. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش برای گروه گواه بعد از پژوهش جلسات درمانگری گذاشته شد و همچنین در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. داده‌های پژوهش حاضر با آزمون t گروه‌های همبسته و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار

پرسشنامه حل مسئله^۱: پرسشنامه حل مسئله هینر و پترسن (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ‌دهنده از رفتارهای حل مسئله‌شان ۳۵ ماده دارد که برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان تهیه شده است. پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس معجزا شامل اعتماد به حل مسائل با ۱۱ عبارت، سبک گرایش - اجتناب با ۱۶ عبارت، مهارگری شخصی با ۵ عبارت می‌باشد. پرسشنامه حل مسئله با چندین نمونه از آزمودنی‌ها

رفتارهای مناسب در والدین را تقویت می‌کند (جانسون، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه هدف اصلی مداخلات روانشناختی حل مسائلی است که افراد در موقعیت‌های گوناگون با آن مواجه می‌شوند، از این رو توانایی حل مسئله و حل مسائل زندگی یکی از روی‌آوردهای کاربردی حوزه روانشناسی است. آموزش توانش حل مسئله نوعی مداخله روانشناختی کوتاه‌مدت است که می‌تواند به تنهایی یا همراه با سایر روی‌آوردهای درمانگری مورد استفاده قرار گیرد (دزوریلا و نیزو، ۲۰۱۱). حل مسئله به عنوان یک توانش کنارآمدنی و عملی، موجب افزایش اعتماد به خود می‌شود و با سازگاری شخصی ارتباط خوبی دارد و پنج گام ادراک خویشتن، تعریف مسئله، تهیه فهرستی از راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری در مورد مناسب‌ترین راه‌حل و امتحان کردن راه‌حل انتخابی را شامل می‌شود (ایزدی‌فرد و سپاسی آشتیانی، ۱۳۸۹). الگوی حل مسئله به فرآیندی شناختی - عاطفی - رفتاری اطلاق می‌شود که به کمک آن افراد برای حل مسائلی که در موقعیت‌های زندگی واقعی تجربه می‌کنند، تلاش می‌نمایند (شاومن، گریف، جانیک، گری و هومل، ۲۰۱۳). نتایج برخی از مطالعات نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به طور مستقیم یا از طریق والدین و یا معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان مؤثر است (شور، ۲۰۱۱، بلنچارد - فیلد، ۲۰۱۷، شاومن و همکاران، ۲۰۱۳، پوگلیس و وای، ۲۰۱۴، بک، ویلیامز، کاتینگ، پرلی و چاپل، ۲۰۱۶). جاب‌شیلد (۲۰۱۵) نیز نشان داد افزایش توانش حل مسئله در والدین و فرزندان باعث تقویت پیوندهای عاطفی گردیده و این کودکان در محیط‌های بیرونی کمتر دچار مشکلات ارتباطی شده‌اند. در همین راستا نتایج پژوهش دیگری نشان داده است که با آموزش توانش‌های حل مسئله به والدین تغییر شناخت و ارتباط مؤثر والدین با کودکان، بهبود چشمگیری داشته است و همچنین باعث درک مثبت کودکان نسبت به خود و والدینشان شده است (کولایللو و جانستون، ۲۰۱۶). هستینگز و بک (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه می‌تواند سطح خودآزمندی در مادران را افزایش داده و از سازش نایافتگی‌های بعدی پیشگیری کند.

در این راستا، پژوهش حاضر در صدد است تا اثربخشی برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند را بررسی کند. با توجه به آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر در قالب دو سؤال مورد آزمون قرار می‌گیرد: آیا برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله مادران تأثیر

^۱. Problem-Solving Inventory

در ۹ جلسه به صورت یک جلسه دو ساعته در هفته برگزار شد. در هر جلسه والدین به صورت گام به گام با روش‌های کارآمد و ناکارآمد برخورد با کودکان آشنا شدند. والدین با استفاده از کتاب تمرینی که به آنها داده شد، روش حل مسئله را در موقعیت‌های فرضی با کودک تمرین می‌کردند. در این کتاب تمرین‌هایی طراحی شده است که جنبه بازی و تفریح داشته و برای کودکان لذت‌بخش است. لذا فعالیت‌ها به صورت بازی یا نقاشی به کودک ارائه می‌شوند. همچنین تکالیف با استفاده از موقعیت‌های آشنا که کودک و والدین معمولاً با آنها در تماس هستند (برای مثال هنگام غذا پختن در آشپزخانه، در مهمانی و هنگام تماشای تلویزیون) و در مکان‌های مختلف طراحی شده‌اند (شور و دیجرونیمو، ۲۰۰۱).

در ابتدا والدین با چهار شیوه تعامل با کودک که در کارگاه به نام چهار پله رفتار تعریف شده است، آشنا شدند. در پله اول، رفتارهای توأم با تنبیه و توییح قرار دارد و والدین با لحن دستوری از کودک می‌خواهند که کاری را انجام دهد. برای مثال زمانی که مادر به کودک می‌گوید: "تو پسر نامرتبی هستی، وسایلت را از اینجا جمع کن" او در پله اول رفتار با کودک قرار دارد. در پله دوم، پیشنهاد بدون هیچ توضیحی داده می‌شود، در واقع بدین معنی که پیشنهاد انجام کاری را ارائه می‌دهند. به طور مثال، "بهتر است وسایلت را جای خودش بگذاری تا بتوانی بعداً راحت‌تر پیدایشان کنی" پله سوم شامل پیشنهاد با توضیح است، این توضیحات می‌تواند درباره پیامد کار یا توجه به احساس فرد متقابل باشد، برای مثال "اگر تکالیف را انجام ندهی فردا در کلاس و جلوی همکلاسی‌هایت احساس خجالت خواهی داشت" یا "اگر تکالیف را انجام ندهی ممکن است خانم معلم از تو ناراحت شود". پله نهایی شامل کارآمدترین روش تربیتی است که با سؤال کردن، کودک را به تفکر وامی‌دارد. در حین تمرین‌های این مرحله کودک با کلماتی آشنا می‌شود که کلمات حل مسئله نامیده می‌شوند و بر سه پایه اساسی درک احساسات، یافتن راه‌حل‌های جایگزین و توجه به پیامدهای رفتار، استوار است. توجه داشته باشیم که داشتن زبان مشترک یک قدم بسیار مهم در حل یک تعارض یا مشکل است (شور و دیجرونیمو، ۲۰۰۱). از کلمات حل مسئله می‌توان هست / نیست، حالا / بعداً، مشابه / متفاوت را نام برد که در راستای آن کودک یاد می‌گیرد چه چیزی برای چه کاری مناسب هست / نیست، یا اینکه زمان مناسب برای هر چیز متفاوت است. بعد از

تنظیم و آزمایش شده است. این پرسشنامه همسانی درونی نسبتاً بالایی با مقادیر آلفای بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ در خرده مقیاس‌ها و برای مقیاس کلی دارد (هینز و پترسن، ۱۹۸۲). پایایی بازآزمایی نمره کل پرسشنامه در فاصله دو هفته در دامنه‌ای از ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده که بیانگر این است که پرسشنامه حل مسئله ابزاری پایا برای سنجش توانایی حل مسئله است. این پرسشنامه توسط رفعتی و با راهنمایی خسروی در سال ۱۳۷۵ ترجمه و برای اولین بار در ایران استفاده شد (خسروی، درویشه و رفعتی، ۱۳۷۷) آلفای کرونباخ به دست آمده در تحقیق خسروی و همکاران (۱۳۷۷) برابر با ۰/۸۶ و در تحقیق بذل (۱۳۸۳) ۰/۶۶ به دست آمد. این پرسشنامه بر مبنای ۶ سطح مقیاس لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. برای پیشگیری از سوگیری در پاسخ‌دهی ۱۵ عبارت با بیان منفی آورده شده است و به شکل معکوس نمره گذاری می‌شود. نمره کل پرسشنامه از جمع نمرات همه پاسخ‌ها به دست می‌آید. مقیاس خودکارآمد پنداری والدگری^۱: پرسشنامه خودکارآمد پنداری والدگری دومکا، استورزینگر، جکسون و روزا (۱۹۹۶) یک پرسشنامه خودگزارشگری شامل ۱۰ سؤال در مورد خودکارآمد پنداری والدگری است و پاسخ به این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت هفت درجه‌ای از ۱ تا ۷ امتیازبندی می‌شود. سؤالات این پرسشنامه هم برای پدر و هم برای مادر قابل استفاده بوده و هدف از این پرسشنامه ارزیابی خودکارآمد پنداری والدین می‌باشد. به این صورت که این آزمون حس کلی والدین از اطمینان را در نقش والد، توانایی حل تعارضات والد - کودک و تلاش و مقاومت والد را ارزیابی می‌کند. پژوهش‌های قبلی حاکی از پایایی (آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۱) و درستی آزمایی مناسب این پرسشنامه بوده است (کلمن و کراکر، ۲۰۰۰، دومکا و همکاران، ۱۹۹۶). نمره بالا در این آزمون، خودکارآمد پنداری والدگری بالا و نمره پایین، خودکارآمد پنداری والدگری پایین را نشان می‌دهد. در پژوهش جمالی‌نژاد (۱۳۹۱) درستی آزمایی پرسشنامه توسط اساتید، مطلوب گزارش شد و پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ بالای ۰/۸۰ محاسبه گردید.

روش اجرا: کارگاه تربیت کودک اندیشمند (شور، ۲۰۰۰) برای والدین کودکان سنین ۴ تا ۷ سال طراحی شده است. هدف نهایی کارگاه، افزایش توانمندی والدین در مواجهه با مسائل روزمره خانواده از طریق بکارگیری توانش‌های حل مسئله در تربیت فرزندان است. کارگاه

^۱. Parenting Self-Agency Measure (PSAM)

گروه‌های همبسته استفاده شده است. مقدار شاخص آماری در آزمون شاپیرو - ویلک در هر دو متغیر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری و همچنین مؤلفه‌های حل مسئله در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبود، بنابراین توزیع متغیرها نرمال است.

آیا برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله مادران تأثیر دارد؟

میانگین نمرات حل مسئله مادران در پیش‌آزمون و پس‌آزمون حاکی از افزایش ۲۰ نمره‌ای در پس‌آزمون است. مقدار t به دست آمده برابر $5/14-$ است که در سطح $P = 0/0001$ معنادار می‌باشد. بنابراین، تربیت کودک اندیشمند موجب افزایش توانش حل مسئله در مادران شده است.

اینکه این کلمات در موقعیت‌های معمول روزمره با کودک تمرین شدند، والدین در تعامل با کودک به پله چهارم می‌رسند، کتاب تمرینی این کارگاه آموزشی در برگزیده تمرین‌هایی است که والدین و کودکان باید آن را انجام دهند.

یافته‌ها

مادران شرکت‌کننده در پژوهش، بین ۳۱ تا ۴۷ سال سن داشتند و میانگین سنی آنها ۳۵ سال بود. میانگین سنی کودکان این مادران ۶ سال بدست آمد. در خصوص تحصیلات نیز، از بین ۲۲ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ۲ نفر تحصیلات دیپلم، ۱۱ نفر کاردانی و کارشناسی، ۷ نفر کارشناسی ارشد و ۲ نفر دارای تحصیلات دکتری تخصصی بودند. به منظور بررسی معناداری تفاوت نمرات در دو آزمون از آزمون t

جدول ۱. نتایج آزمون t گروه‌های همبسته برای نمرات حل مسئله مادران						
گروه‌ها	مقدار میانگین	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری	
پیش‌آزمون	۱۲۵/۴۰	۲۰	۲۱	۵/۱۴	۰/۰۰۰۱	
پس‌آزمون	۱۴۵/۴۰					
جدول ۲. نتایج آزمون t گروه‌های همبسته برای نمرات مؤلفه‌های حل مسئله مادران						
مؤلفه‌ها	گروه‌ها	مقدار میانگین	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
اعتماد به حل مسئله	پیش‌آزمون	۴۴/۹۳	۴/۶	۲۱	۲/۶۸	۰/۰۱
	پس‌آزمون	۴۹/۵۳				
سبک‌گرایی - اجتناب	پیش‌آزمون	۶۳/۰۶	۱۱/۴	۲۱	۴/۹۵	۰/۰۰۰۱
	پس‌آزمون	۷۴/۴۶				
مهارت‌گری شخصی	پیش‌آزمون	۱۷/۴۰	۴	۲۱	۳/۳	۰/۰۰۴
	پس‌آزمون	۲۱/۴۰				

آیا برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر خودکارآمد پنداری والدگری مادران تأثیر دارد؟ میانگین نمرات خودکارآمد پنداری والدگری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش حاکی از افزایش ۴/۶ نمره‌ای در پس‌آزمون مؤلفه اعتماد به حل مسئله، افزایش ۱۱/۴ نمره‌ای در سبک‌گرایی - اجتناب و ۴ نمره‌ای در مهارت‌گری شخصی است. مقدار t به دست آمده در تمامی مؤلفه‌ها در سطح $P \leq 0/01$ معنادار است. بنابراین، تربیت کودک اندیشمند موجب افزایش مؤلفه‌های توانش حل مسئله در مادران شده است.

میانگین نمرات مؤلفه‌های حل مسئله در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش حاکی از افزایش ۴/۶ نمره‌ای در پس‌آزمون مؤلفه اعتماد به حل مسئله، افزایش ۱۱/۴ نمره‌ای در سبک‌گرایی - اجتناب و ۴ نمره‌ای در مهارت‌گری شخصی است. مقدار t به دست آمده در تمامی مؤلفه‌ها در سطح $P \leq 0/01$ معنادار است. بنابراین، تربیت کودک اندیشمند موجب افزایش مؤلفه‌های توانش حل مسئله در مادران شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t گروه‌های همبسته برای نمرات خودکارآمد پنداری والدگری						
گروه‌ها	مقدار میانگین	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری	
پیش‌آزمون	۴۹/۵	۶/۱۸	۲۱	۲/۸۶	۰/۰۱	
پس‌آزمون	۵۵/۶۸					

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری مادران، انجام شد. بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، تربیت کودک اندیشمند توانسته است که حل مسئله و خودکارآمد پنداری مادران را در سطح معناداری پس از اجرای برنامه تغییر دهد. با توجه به آماره‌های بدست آمده از مقایسه‌ی میانگین نمرات حل مسئله در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مادران، داده‌ها حاکی از افزایش نمرات آنها در پس‌آزمون است. همچنین در مؤلفه‌های حل مسئله؛ اعتماد به حل مسئله، سبک گرایش - اجتناب و مؤلفه‌های شخصی، یافته‌ها حاکی از افزایش میانگین نمرات در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مادران است. یافته‌های فوق با پژوهش‌هایی که شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و جمالی (۱۳۹۵)، شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و سهراب پور (۱۳۹۴)، ندیم‌بال و سانگار (۲۰۱۵)، چیلینگ و همکاران (۲۰۱۷) و شکوهی یکتا، راث و محمودی (۲۰۱۸) انجام داده‌اند؛ نیز همخوان است. شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند در بهبود خشم و رابطه مادران با فرزندان‌شان مؤثر بوده است. از این رو، نتایج یاد شده همسو با نتیجه حاصل از تأیید فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر این که آموزش برنامه تربیت کودک اندیشمند بر حل مسئله و خودکارآمد پنداری والدگری مادران مؤثر است؛ می‌باشد.

در تبیین این امر باید گفت در توانش حل مسئله، مادران به کودکان خود کمک می‌کنند که به مسائل خود بیندیشند، راه‌حل‌های مختلفی برای آن بیابند و با انتخاب بهترین راه‌حل به حل مسائل خود مبادرت ورزند. علاوه بر این کودکان یاد می‌گیرند که با مسائل و مشکلات خود به گونه‌ای برخورد کنند تا دچار اضطراب نشوند و با شکست‌های احتمالی برخورد مناسبی داشته باشند (مانتیگنی و لاچارتی، ۲۰۱۵).

در واقع در برنامه حاضر مادران ضمن آگاهی از روش‌های مختلف کارآمد و ناکارآمد برخورد با رفتارهای کودک، تمرین‌هایی را برای بهبود سبک واکنش خود در مقابل رفتارهای کشاکش برانگیز کودکان انجام دادند. هدف کارگاه آموزشی، بهبود سبک تربیتی مادران و استفاده از روش‌های تعاملی کارآمد مانند روش حل مسئله به جای روش‌های ناکارآمد تنبیه و توییح و نیز افزایش سطح خودباوری بوده است.

میانگین نمرات خودکارآمد پنداری والدگری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مادران حاکی از افزایش نمرات در پس‌آزمون است. همچنین با توجه و استناد به افزایش نمرات خودکارآمد پنداری والدگری در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون تأثیر خودکارآمد پنداری والدگری مشهود بوده و تأیید می‌گردد که برنامه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر خودکارآمد پنداری والدگری مادران مؤثر است. با استناد به افزایش نمرات می‌توان گفت که آموزش مادران بر رفتارهای مناسب‌شان تأثیر مثبت داشته است. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، اسکندری، پوراعتماد، حبیبی عسگرآباد و مظاهری (۱۳۹۷)، اکاتی، رضوانی شکیب، اصغری نکاح و صادقی‌بایگی (۱۳۹۷)، رضایی، غضنفری و رضائیان (۱۳۹۶)، سالاری، رالف و ساندرز (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی دست یافتند. برای مثال سالاری، رالف و ساندرز (۲۰۱۴) در تحقیق خود نشان دادند که از طریق آموزش مادران در راستای ارتقای تحول کودک، می‌توان دستیابی به حس شایستگی اجتماعی و خویش‌داری را در والدین هموار ساخت که این به نوبه خود منجر به افزایش خودکارآمد پنداری والدگری می‌شود.

با توجه به یافته‌های مربوط به افزایش خودباوری مادران، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش بکار گرفته شده در پژوهش حاضر، روش سودمندی بوده است. برای تبیین این امر باید توجه داشت که بسیاری از مشکلات کودکان با آموزش والدین و رفتار صحیح آنها در محیط خانواده به تعادل می‌رسد. از این رو با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان اذعان داشت که با آموزش نحوه رفتار صحیح و دقیق مادران مبتنی بر روش حل مسئله، می‌توان خودکارآمد پنداری والدگری آنان را افزایش داد و به تبع آن روابط والد - کودک را اصلاح نمود. از جمله محدودیت‌های پژوهش عدم امکان استفاده از گروه کنترل است. همچنین می‌توان به اجرای برنامه مداخله‌ای برای نمونه در دسترس اشاره نمود که روایی بیرونی پژوهش را تهدید می‌کند. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با طرح‌های دارای گروه کنترل و پیگیری جهت تحکیم روایی درونی و بیرونی نتایج، اجرا و مقایسه شود.

منابع

اسکندری، بهاره؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۶). اثربخشی مداخله سبک‌های پردازش حسی بر افزایش خودکارآمد پنداری والدگری و رابطه والد - کودک

- predicted by divergent thinking or executive functions, philosophical transactions. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 371. <https://doi.org/10.1098/rstb.2015.0190>
- Blanchard-Fields, F. (2017). Problem solving and emotion: an adult developmental perspective. *Current Directions in Psychological Science*, 16(1), 26-31.
- Colalillo, S., Johnston, C. (2016). Parenting cognition and affective outcomes following parent management training: A systematic review. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 19(3), 216-235.
- Coleman, P. K., & Karraker, K. H. (2000). Parenting self-efficacy among mothers of school-age children: conceptualization, measurement and correlates. *Family Relations*, 49, 13-24.
- Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*, 45, 216-222.
- Dzurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2011). Problem-solving therapies. In: Dobson KS. *Handbook of cognitive – behavioral therapies*. 2nd Ed. New York: Guilford Press.
- Gerkenmeyer, J., Johnson, C., Scott, E., Oruche, U., Lindsey, L., Austin, J., & Perkins, S. (2013). Problem-solving intervention for caregivers of children with mental health problems. *Archives of Psychiatric Nursing*, 27(3), 112-120.
- Hastings, R. P., & Beck, A. (2014). Practitioner review: Stress intervention for parents of children with intellectual disabilities. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. 45 (8), 1338-1349.
- Heppner, P. P., & Petersen, C. H. (1982). The development and implications of a personal problem-solving inventory. *Journal of Counseling Psychology*, 29(1), 66-75.
- Janice, L. C., Masi, R., & Vick, J. (2017). *Social development in early childhood*. National center for children in poverty: Non-directive Play University.
- Jobe-Shields, F. (2015). Parent-Child automaticity: links to child coping and behavior and engagement in parent training. *Journal of Child and Family Studies*, 24(7), 2060-2069.
- Johnson, J. L. (2015). Preventing conduct problems and increasing social competence in high-risk preschoolers. Dissertation Abstracts International: Section B: The Science and Engineering, 62 (2-B), 1085.
- Johnston, C., Mash, E. J. (1989). A measure of parenting satisfaction and efficacy. *Journal of Clinical Child Psychology*, 18 (2), 167-175.
- Lavin, E. S., & Mc Ginn, L. K. (2006). North America. In S. G. Hofmann (Ed.) *International perspectives on psychotherapy* (pp. 69-86). Boston, Springer.
- Masen, P. K., Jerome, H., Kariul, A., & Kanjer, J. V. (2017). Child development and personality, Translated by Mashid Y. Tehran: Publication of Media. *Schools*, 15(3), 175-181.
- در کودکان اختلال طیف اتیسم. *تعلیم و تربیت / استثنایی*، ۱۶(۱)، ۲۱-۱۴.
- اسلاوین، رابرت ای (۲۰۰۶). *روانشناسی تربیتی*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات روان.
- اکاتی، نازنین؛ رضوانی شکیب، مژگان؛ اصغری نکاح، سید محسن و صادقی‌بایگی، معصومه (۱۳۹۷). بررسی نقش خودکارآمد پنداری و نوع سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش دبستانی. *مجله دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه*، ۶(۴)، ۶۴-۵۷.
- ایزدی‌فرد، راضیه و سپاسی آشتیانی، میترا (۱۳۸۹). اثربخشی درمان شناختی رفتاری با آموزش مهارت‌های حل مسئله بر کاهش علائم اضطراب امتحان. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۱)، ۲۳-۷.
- بذل، معصومه (۱۳۸۳). *بررسی ارتباط مهارت حل مسئله و میزان سازگاری در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم مقطع دبیرستانی در شمال و جنوب تهران*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- جمالی‌نژاد، راضیه (۱۳۹۱). *بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت مادر - کودک بر خلاقیت کودکان و خودکارآمد پنداری والدگری مادران پیش دبستانی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خسروی، زهره؛ درویزه، زهرا و رفعتی، مریم (۱۳۷۷). نقش حالت‌های خلقی بر شیوه ارزیابی دانش‌آموزان دختر از توانایی مشکل‌گشایی خود. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱(۴)، ۴۵-۳۵.
- رضایی، فاطمه؛ غضنفری، فیروزه و رضائیان، مهدی (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی والدگری مثبت بر استرس و خودکارآمد پنداری والدگری مادران و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه (مجله طنین سلامت)*، ۵(۱)، ۱۶-۷.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید و جمالی، عبدالله (۱۳۹۵). آموزش برنامه تربیت کودک اندیشمند به مادران و تأثیر آن بر خشم و رابطه با فرزندان. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۱)، ۱۴-۱.
- شکوهی یکتا، محسن و شهابی، روح‌الله (۱۳۹۷). اثربخشی کارگاه آموزشی تربیت کودک اندیشمند بر مشکلات رفتاری کودکان و خودکارآمد پنداری والدگری. *علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۴۲۶-۴۱۹.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید و سهراب پور، غلامرضا (۱۳۹۴). اثربخشی کارگاه آموزشی کودک اندیشمند بر شیوه‌های فرزندپروری والدین و مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۲(۳)، ۱۹-۹.
- Beck, S. R., Williams, C., Cutting, N., Apperly, I. A., & Chappell, J. (2016). Individual differences in childrens innovative problem – solving are not

- Mayer, R. (1983). *Thinking, problem solving, cognition*. New York: W.H. Freeman and Company.
- Montigny, F. D., Lacharite, C. (2015). Perceived parental efficacy: Concept analysis. *Journal of Advanced Nursing*, 49(4), 387-396.
- Nedimbal, P., Sungur, G. (2015). The effect of social skills training program on adolescents. *Journal of International Social Research*, 8(39), 699-702.
- Patrikakou, E. N., Weissberg, R. E., Redding, S., & Walberg, H. J. (2005). *School-family partnerships: Dimensions and recommendations. School-family partnerships for children's success*. New York: Teachers College Press.
- Pugliese, C. E., White, S. W. (2014). Brief report: problem solving therapy in college students with Autism spectrum disorders: feasibility and preliminary efficacy. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 44(3), 719-729.
- Salari, R., Ralph, A., & Sandres, M. R. (2014). An efficacy trial: Positive parenting program for parents of teenagers. *Behavior Change*, 31(1), 34-52.
- Schilling, S., French, B., Berkowitz, S. J., Dougherty, S. L., Scribano, P. V., & Wood, J. N. (2017). Child-Adult relationship enhancement in primary care (PriCARE): A randomized trial of a parent training for child behavior problems. *Academic Pediatrics*, 17(1), 53-60.
- Schuman, S. L., Graef, D. M., Janicke, D. M., Gray, W. N., & Hommel, K. A. (2013). An exploration of family problem-solving and affective involvement as moderators between disease severity and depressive symptoms in adolescents with inflammatory bowel disease. *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*, 20(4), 488-496.
- Shokoohi-Yekta, M. Rath, J. F., & Mahmoudi M. (2018). Thinking child program: effects on parenting styles and family problem-solving skills. *International Journal of Behavioral Sciences*, 12(2), 59-64.
- Shure, M. B., & Digeronimo, T. F. (2001). Raising a thinking child workbook: Teaching young children how to resolve everyday conflicts and get along with each other's: Book review. *Social work with groups*, 24(3-4), 197-201.
- Shure, M. B. (2011). *I can problem solve (ICPS): An interpersonal cognitive problem solving program for children*. Affiliated with MCP: Hahnemann University.
- Thompson, R. W., & Hixson, P. K. (1984). Teaching parents to encourage independent problem solving in preschool-age children. *Language, Speech, and Hearing Services in Psychology*, 10(2), 34-41.
- Thompson, R. W., & Hixson, P. K. (1984). Teaching parents to encourage independent problem solving in preschool-age children. *Language, Speech, and Hearing Services in Schools*, 15(3), 175-181.